

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۸۲۵/۱۲۱ رده بندی کنگره: ج ۵۲۹/۲

بررسی صلاحیت سازمانهای بین المللی در مبارزه با عملکرد

گروه های تروریستی و شورشی

آریا عزیزی

کارشناس ارشد حقوق بین الملل، مدیریت شعب موسسه اعتباری کوثر استان کرمانشاه

چکیده

این مقاله بر آن است صلاحیت مجامع بین المللی در مقابله با تروریسم را بررسی و تحولات جدید بین المللی را مورد ارزیابی قرار دهد و نیز تعریف و مفهوم گروه های شورشی بپردازد و با توجه به آنکه کشورها تعریف خاصی با توجه به منافع خود از تروریسم ارائه کرده اند و به دنبال آن نیز هر کشوری شیوه ای خاصی برای مقابله در جامعه بین الملل در نظر گرفته اند و لیکن از جمله روشهایی که دولتها در این رابطه و یا به نوعی به بهانه مبارزه با تروریسم در جامعه جهانی استفاده می کنند قوه قهریه و راه حل نظامی می باشد. هرچند برخی دولتها به بهانه مقابله با تروریسم آشکارا به حمایت از تروریسم نیز پرداخته اند. بی تردید پس از نقض قوانین بین المللی و برخورد دوگانه مجامع با کشورهای امپریالیسم نسبت به کشورهای ضعیف تر در تصمیم گیری سازمانهای بین الملل تاثیرگذار بوده و این در حالی است که عدم وجود معنی و مفهوم واحدی در این جوامع از تروریسم باعث راه فراری برای توجیه اقدامات این کشورها شده است بنابراین بررسی تاریخی نشان می دهد که دولتها در مبارزه با تروریسم موفق نبوده اند و تروریسم جامعه جهانی را همچنان مورد تهدید قرار می دهد. و این بیانگر ضعف نظام بین المللی و ناتوانی در مبارزه با تروریسم و در نتیجه آن نیز دولتها به طور یکجانبه اقداماتی را انجام می دهند و این اقدامات ممکن است در مواردی با حقوق بین الملل مطابقتی نداشته باشد.

واژگان کلیدی: (تروریسم؛ گروه های شورشی، حقوق بشر؛ قطعنامه های بین المللی؛

صلاحیت سازمان ها)

قرن بیستم با تغییر و تحولات اساسی و عمده‌ای در تمام عرصه‌ها همراه بوده است. تحولات به وجود آمده در این قرن در تمام ابعاد زندگی جوامع انسانی تأثیر گذاشت و همین باعث بروز پدیده‌های مجرمانه جدیدی شده است که این امر موجب پدیدار شدن جرائم متفاوتی با ابزار و شیوه‌های نوین شده است از جمله این پدیده‌های نوظهور بحث تروریسم است که در این میان بیش از سایر بزه‌ها دچار تغییر و تحول شده است. توسعه تکنولوژی‌ها امکان گسترش فعالیت تروریست‌ها را در کشورهای مختلف فراهم کرد و از این پس تروریسم مرزهای ملی را درنوردید و به پدیده‌ای بین‌المللی تبدیل گشت. در حال حاضر ده‌ها سال است که پدیده تروریسم به یکی از دغدغه‌های جدی دولت‌ها و ملت‌ها تبدیل شده است و حقیقت امر این است که وقوع اقداماتی که با مفهوم تروریسم انطباق می‌یابند، سابقه‌ای طولانی به اندازه قدمت جوامع بشری دارند، هر چند که عنوان «تروریسم» بر آنها اطلاق نمی‌شده است.

آغازین سال‌های قرن بیست و یکم میلادی با یک اتفاق تروریستی مصادف شد و دولت‌ها، مخصوصاً دولت‌های صاحب قدرت و توان نظامی، به وضوح مشاهده کردند که سازمان‌های تروریستی به حدی توانمند شده‌اند که امکان وارد کردن چنین ضربه‌ای به کشوری چون ایالات متحده را یافته‌اند و همه دولت‌ها و ملت‌ها را تحت تأثیر قرار داد. (آشوری، ۱۳۸۴: ۶۲)

در دوران معاصر تروریسم اقدامات خشونت‌آمیزی را به ذهن متبادر می‌کند که طیفی از هراس و احساس ناامنی را موجب می‌شوند و عمدتاً مقاصد سیاسی مرتکبان، تلاش آنها

برای جلب توجه افکار عمومی و قدرت حاکمه و پیام‌رسانی به مخاطبان، این اقدامات را از دیگر اعمال خشونت‌بار متمایز می‌نماید.

با این وجود به دلیل فقدان توافقی نسبی میان دولت‌ها تا به حال تعریفی از تروریسم که شاخصی برای شناسایی همه مصادیق و تشخیص و تفکیک سایر جرائم و مقوله‌های مشابه باشد، حاصل نشده است. تروریسم که اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق انسان‌ها را به مخاطره می‌انداخت، در حال گسترش بود و می‌بایست واکنشی جدی نسبت به آن صورت گیرد. لذا کشورها بحث بر سر مفهوم و تعریف تروریسم را، تا حدود یک دهه پیش، رها کردند و با رویکرد مصداقی به مقابله با آن برخاستند. بدین ترتیب روند جدیدی آغاز گشت که طی آن اغلب مصادیق با اهمیت و کثیرالوقوع تروریسم در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی جرم‌انگاری شد.

به غیر از کنوانسیون‌های تدوین شده جهت مبارزه با تروریسم که از ۱۳ مورد آنها، ۵ مورد توسط مجمع عمومی سازمان ملل تدوین شده بود، هر دو رکن سازمان ملل اقدامات متعددی جهت مبارزه با تروریسم انجام داده‌اند. (حبیب زاده، ۱۳۷۹: ۹۵)

بنابراین در عرصه بین‌المللی اگرچه توافقی قطعی بر مفهوم تروریسم شکل نگرفت ولی جرم‌انگاری اعمال تروریستی سریع‌تر از عرصه داخلی صورت پذیرفت.

بیان مسئله

از پدیده‌های مهم و بحث‌برانگیز بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی در دهه نخست سده ۲۱ و یکی از اساسی‌ترین معضلات و چالش‌های جامعه جهانی و خطرناک‌ترین تهدید علیه حقوق ملت‌ها و ثبات بین‌الملل بوده، مسئله «تروریسم» است. (کرم‌زاده، ۱۳۸۱: ۳۱؛ صادقی

حقیقی، ۱۳۸۳: ۳۰) امروزه، تروریسم از تهدیدی ملی به تهدیدی بین‌المللی و جهانی مبدل گشته و هراس آن وجود دارد که با گسترش آن صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره افتد. در عصر جهانی شدن و فناوری پیشرفته، دیگر تروریسم در مرزهای ملی و منطقه‌ای محصور نمی‌ماند. تروریست‌ها همگام با روند جهانی شدن پیشرفت کرده‌اند، اما هرگز در قید و بندهای بین‌المللی ناشی از آن گرفتار نشده‌اند. از این رو هیچ منطقه، دولت یا ملتی از اقدامات آن مصون نمی‌مانند. گروه‌های تروریستی با انگیزه‌های گوناگون دست به عملیات تروریستی می‌زنند و نگرانی از احتمال وقوع این گونه عملیات زمانی بیشتر می‌شود که تروریست‌ها از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی استفاده کنند. هرچند این تهدیدات در حال حاضر به صورت بالفعل صلح و امنیت بین‌المللی را تخریب می‌نماید، باید اذعان کرد که سایبر تروریسم تهدیدی بالقوه علیه جامعه بین‌المللی بوده که روش نوین اقدامات تروریستی است نه نوع دیگر تروریسم. (استارک، ۱۹۹۹: ۹) چنانکه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۵ صدور قطعنامه‌ای آن را انجام داد همچنین نگرانی شدید جامعه جهانی از گسترش تروریسم و دستیابی تروریسم به تسلیحات هسته‌ای منجر شد که شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور، قطعنامه ۱۵۴۰ را در خصوص عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ به تصویب رساند. ضمن گسترش روزافزون اقدامات تروریستی و شورشی (۱۱ سپتامبر در نیویورک، ۱۲ اکتبر در بالی، ۱۱ مارس ۲۰۰۴ در قطار مادرید، ۷ جولای ۲۰۰۵ در لندن، ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹ در مسکو و ۲۹ مارس ۲۰۱۰ در قطار مسکو- سنت پترزبورگ، القاعده برای سالیان متوالی در افغانستان، و اخیراً اقدامات داعش در عراق، سوریه، و واقعه یمن و ...)

مذاکرات حقوقی بسیاری از قبیل بررسی سازوکارهای حقوقی موجود در حقوق بین الملل برای واکنش به چنین اقداماتی صورت گرفته است اما اقدامات در خور توجه ای به چشم نمی خورد. در واقع خطرات ناشی از تروریسم و شورش ها بیش از جرایم انفرادی بوده و مقابله ثمربخش با آن بدون تنظیم زیربنای بین المللی قانونمند و پرهیز از سیاست «استانداردهای دوگانه» غیر قابل تصور است. بنابراین در این مقاله نگارندگان درصدد بررسی صلاحیت سازمان های بین المللی در مبارزه عملکرد گروه های تروریستی و شورش می باشند.

ضرورت پژوهش

یکی از مهم ترین چالش های فرا روی جامعه جهانی و حقوق بین الملل گسترش روزافزون عملیات و اقدامات تروریستی و شورش است که تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین المللی به شمار می رود. این پدیده در اشکال سازمان یافته و معمولاً فراملی رخ می دهد. جامعه بین المللی که در نیمه دوم قرن بیستم با پدیده تروریسم مواجه شده بود، با پذیرش مجموعه ای از معاهدات مربوط به انواع خاص اعمال تروریستی و شورش و تعهد دولتها، نسبت به آن واکنش نشان داد. به عبارت دیگر، قانونگذاری راجع به تروریسم که در آغاز، تنها شامل اعمال تأثیرگذار بر غیرنظامیان بود به تدریج گسترش یافت تا بعضی اعمال تروریستی و شورش علیه کارکنان و تأسیسات نظامی را نیز در برگیرد. دولتها و سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم کنوانسیون های متعدد را به تصویب رسانده اند، اما حق این است که به موازات پیشرفت تروریست ها و تبدیل آنان به بازیگران بین المللی و فعالیت در قالب سازمان ها و مجموعه های هماهنگ، جامعه بین الملل باید اقدامات ضد

توجه قرار دهند لذا با توجه به نکات گفته شده مبارزه همه جانبه با تروریسم توسط مجامع بین المللی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

سؤالات تحقیق

در این مقاله نگارندگان در پی بررسی یک سؤال اصلی و دو سؤال فرعی هستند که

عبارتند از:

سؤال اصلی:

- چگونه سازمان های بین المللی صلاحیت رسیدگی و مبارزه با عملکرد گروههای تروریستی و شورشی را دارند؟

سؤال فرعی:

- عملکرد و تاثیر کنوانسیون های موجود در سطح بین الملل برای مقابله با تروریسم و شورش چگونه است؟

- برخورد و سیاست دولت ها در سطح بین المللی جهت مقابله با تروریسم و شورش قانونمند و بدور از سیاست های دوگانه چگونه است؟

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کتابخانه ای به روش تحلیلی - توصیفی می باشد.

در این مقاله از روش کتابخانه ای با مراجعه مستقیم به منابع تحقیق به خصوص کتب و مقالات مختلف و فیش برداری از آنها و بیان استدلال و نظرات صاحب نظران و بیان نظر نگارنده، استفاده شده است. در این مقاله ابتدا منابع مربوط به موضوع شناسایی و گردآوری، سپس مورد مطالعه دقیق و فیش برداری قرار گرفته است. اطلاعات گردآوری شده

به روش تحلیلی- توصیفی به صورت استقرایی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و بر اساس طرح نهایی نگارش می شود.

مبانی نظری

تعریف تروریسم

ارائه تعریفی جامع و مانع از تروریسم بین‌المللی مدت‌هاست که ذهن اندیشمندان رشته‌های حقوق، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و دانش‌های مرتبط با آنها را به خود مشغول کرده است. علت این دغدغه این است که وجود تعریف و شناسایی دقیق مفهوم تروریسم مقدمه پیشگیری از وقوع جرم و واکنش صحیح نسبت به آن است.

«تروریسم» مشتق از واژه فرانسوی «ترور»^۱ است. اصل لغت ترور در دو معنا به کار می‌رود. معنای متداول تر آن هراس یا ترس و وحشت شدید است و معنای دیگر آن هراس افکنی یعنی ایجاد ترس و وحشت است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۶۸۳) البته در فرهنگ لغت آکسفورد «فرد یا هر چیزی که هراس ایجاد کند» به عنوان معنای دوم آمده است.^۲

تروریسم در یک معنا روش حکومتی است که با اعمال زور و فشار اعمال حاکمیت می‌کند. (آقابخشی؛ افشاری راد، ۱۳۸۸: ۶۷۷)

همچنین افراد یا گروه‌هایی را که برای رسیدن به اهداف خود دست به اقدامات خشونت بار می‌زنند، تروریسم می‌نامند. (آشوری و همکاران، ۱۳۷۴)

در دانشنامه جرم‌شناسی آمده است: «تروریسم گونه‌ای از خشونت است که همراه با استفاده سیستماتیک یا تهدید به توسل به قتل، جرح و خرابکاری برای تهدید یا ترساندن

1- Terreur (Fr.)- Terror (En.).

2- Terror: 1. extreme fear; 2. a person or thing that causes extreme fear.

گروه مورد نظر که وسیع‌تر از قربانیان آنی جرم می‌باشند و یا به منظور ایجاد جو رعب و هراس صورت می‌گیرد». (نجفی ابرند آبادی، هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۳۲۷)

لاکوئر نیز تروریسم را چنین تعریف می‌کند: «تروریسم به معنای استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت می‌باشد. یعنی شیوه‌ای جنگی یا راهبردی برای رسیدن به اهداف مشخص، اهدافی که به دنبال ایجاد ترس در بین قربانیان هستند. در این چارچوب افکار عمومی یا همان مردم، عوامل اساسی راهبرد تروریسم می‌باشند و بدون آنها ترور یا همان وحشت معنا پیدا نمی‌کند». (Laqueur، ۱۹۹۶: ۱۴۴)

جوزف نای از دانشمندان روابط بین‌الملل تروریسم را با اینکه پدیده‌ای است که قرن‌ها در صحنه سیاسی وجود داشته یک ایدئولوژی نمی‌داند، بلکه عقیده دارد که تروریسم نوع و شیوه‌ای از درگیری است که اغلب به عنوان یک حمله آگاهانه و عمومی علیه انسان‌های بی‌گناه (خارج از متن یک جنگ سازماندهی شده) با هدف ایجاد ترس و وحشت تعریف می‌شود. (Joseph، ۲۰۰۴: ۲۰۶)

تروریسم در اسناد بین‌المللی

تروریسم گاهی خصیصه بین‌المللی پیدا می‌کند و این زمانی است که اعمال تروریستی واجد یک عنصر بین‌المللی باشند. به دلیل افزایش تروریسم بین‌المللی طی سال‌های اخیر، پرداختن به مقوله تروریسم در اسناد و مدارک بین‌المللی بسیار افزایش یافته لکن موضوع تبیین مفهوم آن همچنان لاینحل باقی مانده است.

سابقه تروریسم در اسناد بین‌المللی به «جامعه ملل» برمی‌گردد. در زمان جامعه ملل تلاش‌هایی برای ارائه تعریفی از تروریسم و جلب همکاری دولت‌ها در مبارزه مشترک با این پدیده انجام گرفته بود. یکی از اولین تعاریف مذکور در اسناد بین‌المللی در

کنوانسیون آمده بود که در سال ۱۹۳۷ مورد پذیرش واقع شد و بدین صورت نگارش یافته بود: «اقدامات تروریستی ماهیتاً عبارتند از اقدامات جنایی که توسط افراد و با به کارگیری روش‌های وحشت‌زا علیه دولت مورد نظر یا شخصیت‌های خاص یا عموم مردم، سازماندهی شده و ارتکاب می‌یابند».^۳ (ساندوز، ۱۳۸۲: ۳۴۱)

این تعریف در چارچوب تلاش برای ایجاد یک کنوانسیون بین‌المللی برای ممانعت و مجازات تروریسم و در پی ترور پادشاه یوگسلاوی و وزیر خارجه وقت فرانسه ارائه گردید. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۹۰) اما در نهایت به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم این کنوانسیون عملاً به تأیید اعضا نرسید و کنار گذاشته شد.

با آغاز دهه ۶۰ میلادی و به ویژه به دنبال جریحه‌دار شدن احساسات عمومی به دلیل ارتکاب چندین اقدام ناپسند و ناگهانی از قبیل ترور دیپلمات‌ها، هواپیما ربایی و گروگان‌گیری عهدنامه‌های مهمی تهیه و تدوین شدند. از آن زمان به بعد ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی که همواره توسط مجمع عمومی و شورای امنیت در خصوص تروریسم و اقدامات تروریستی مورد استفاده قرار می‌گیرند، به تصویب رسیدند. این کنوانسیون‌ها به جای اینکه یک تعریف مشخص از تروریسم ارائه دهند، اشکال مختلف اقدامات تروریستی را در قالب هواپیما ربایی، آدم ربایی، بمب‌گذاری و مانند اینها مورد توجه قرار داده‌اند و بیش از آنکه از مفهوم تروریسم استفاده کنند از مفاهیمی که به مصادیق و ماهیت اقدام تروریستی نزدیک می‌باشد استفاده کرده‌اند. (همان: ۹۱)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۴۰/۶۱ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۸۵ بدون ارائه تعریفی، تمامی اعمال و شیوه‌های تروریستی را در هر کجا و به وسیله هر کس که

۳- کنوانسیون راجع به پیشگیری و سرکوب تروریسم، ۱۶ نوامبر ۱۹۳۷، ژنو.

ارتکاب یابند محکوم کرد و آنها را جرم شناخت. از آن رو که اعضای مجمع عمومی در قطعنامه ۴۰/۶۱ اعلام داشتند که «تروریسم شامل اعمال مذکور در پنج معاهده بین‌المللی می‌شود - یعنی سه کنوانسیون راجع به هواپیماربایی^۴، معاهده راجع به حمایت از دیپلمات‌ها^۵ و معاهده راجع به گروگان‌گیری^۶ - هر چند محدود به اینها نمی‌گردد»^۷. معاهدات و کنوانسیون‌های نامبرده تروریسم را معنا نکرده‌اند اما بخش اعظمی از اقدامات تروریستی را پوشش داده‌اند. لذا ملاحظه می‌شود که هر کدام از این معاهدات حول محور یک جرم شکل گرفته است که عبارتند از جرائم علیه امنیت هوایی، امنیت اشخاص مورد حمایت بین‌المللی و گروگان‌گیری. در واقع اگر انگیزه سیاسی را در تعریف تروریسم در نظر داشته باشیم بیشتر این عهدنامه‌ها منحصرأ به موضوع تروریسم مربوط نمی‌شوند.

مجمع عمومی حدود ۱۰ سال بعد (۱۹۹۵) در یکی از مهم‌ترین قطعنامه‌های خود تحت عنوان «اقدامات لازم برای نابودی تروریسم بین‌المللی» به شماره ۴۹/۶۰ به تعریف اقدام تروریستی پرداخته و بیان داشته است که «اقدامات تروریستی که ایجادکننده وحشت عمومی هستند در هر شرایطی و با هر انگیزه‌ای اعم از سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، افراطی، قومی، مذهبی یا با هر ماهیت دیگر توجیه‌ناپذیر است»^۸. در این قطعنامه تروریسم یک اقدام جنایی تلقی گردیده اما با تأکید بر عملی که ایجادکننده وحشت عمومی است، این نوع اقدام جنایی از سایر اقدامات جنایی دیگر متمایز شده است.

۴- یعنی کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو در مورد ارتکاب جرائم و برخی از اعمال دیگر در داخل هواپیما، کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه در مورد تصرف غیرقانونی هواپیما و کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال در مورد سرکوب اعمال غیرقانونی علیه ایمنی پرواز هواپیماها.

۵- کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرائم ارتكابی علیه اشخاصی که از لحاظ بین‌المللی مورد حمایت هستند، از جمله نمایندگان سیاسی، ۱۹۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل.

۶- کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری، ۱۹۷۹.

7- A/Res/40/61. 9 Dec. 1985.

8- Measures to Eliminate International Terrorism, A/Res/49/60, 17 Feb. 1995.

همچنین مجمع عمومی در سال ۲۰۰۳ میلادی در قطعنامه ۵۷/۲۷ تروریسم را اقدام جنایی علیه افراد و گروه‌ها با اهداف سیاسی دانسته و از دولت‌ها خواست که در چارچوب منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل در این خصوص اقدام نمایند.^۹

در مجموع هرچند تا به حال برخی تعاریف در قطعنامه‌ها و یا گزارش‌های دبیر کل ارائه گردیده است، سازمان ملل هنوز موفق نشده به یک تعریف واحد که قابل پذیرش و اجماع اعضا باشد دست یابد. این موضوع در سایر اقدامات بین‌المللی خارج از چارچوب سازمان ملل نیز صادق است. به عنوان نمونه در مقدمه کنوانسیون اروپایی سرکوب تروریسم^{۱۰} که در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۷ تصویب گردید هدف از انعقاد کنوانسیون «آگاهی نسبت به نگرانی فزاینده ناشی از افزایش عملیات تروریستی» دانسته شد بدون اینکه این پدیده را تعریف و یا حتی در متن کنوانسیون به واژه تروریسم اشاره‌ای داشته باشد. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۲: ۲۰۴)

تعریف تروریسم از منظر قانونگذاران قوانین کیفری

یکی از اصول اساسی پذیرفته شده در تمام نظام‌های حقوق کیفری - دست کم در عصر حاضر - اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست. به موجب این اصل هیچ شخصی در قبال اعمالش مجازات نمی‌شود مگر به موجب عنوان مجرمانه و به اندازه مجازاتی که هر دو پیش از آن در قانون موضوعه تعیین شده‌اند. لذا عملی که در قانون جرم شناخته نشده ولو از نگاه عموم جامعه مستحق مجازات شناخته شود، قابل پیگیری و مجازات نمی‌باشد.

قطعاً این موضوع در مورد تروریسم نیز صدق می‌کند. مرتکبان اقدامات تروریستی تا زمانی که آن اقدامات در قانون به عنوان مجرمانه شناسایی نشده باشند قابل مجازات

9 - A/Res/57/27, 30 Jan. 2003.

10- European Convention on the Suppression of Terrorism.

نخواهند بود. در این مقاله تعاریف ارائه شده در قوانین چند کشور را در سه بند مجزا (کشورهای اروپایی، ایالات متحده و ایران) مورد کندوکاو قرار خواهیم داد.

- کشورهای اروپایی

قانونگذار آلمان در قوانین کیفری از اقدامات تروریستی نام نبرده است ولی بخش (a) ماده ۱۲۹ قانون جزای آلمان سازمان‌هایی را که قصد ارتکاب قتل، نسل‌کشی، آدم‌ربایی و نظایر این جرائم را دارند جزء سازمان‌های تروریستی می‌داند. تشکیل چنین سازمان‌هایی با حداکثر ده سال حبس قابل مجازات است. (همان: ۲۰۳)

اداره محافظت از قانون اساسی دولت فدرال آلمان این تعریف را از تروریسم ارائه می‌دهد: «تروریسم تلاشی هدایت شده برای رسیدن به اهداف سیاسی است. اهدافی که برای رسیدن به آنها از روش‌های تهاجم علیه جان یا مال افراد (به ویژه روش‌های جنایی که در بخش یکم قانون کیفری آلمان نظیر قتل، آدم‌ربایی، بمب‌گذاری، جنایت، آتش‌افروزی و غیره ذکر شده است) یا دیگر روش‌های خشونت‌آمیز (که مصداق اقدامات جنایی فوق باشد) استفاده می‌شود.» (Schmid, ۱۹۹۳: ۸)

در بخش ۱ قانون تروریسم^{۱۱} سال ۲۰۰۰ انگلستان مفهوم بسیار وسیعی برای تروریسم در نظر گرفته شده است. به موجب این قانون، تروریسم تنها به اقدام علیه انگلستان محدود نمی‌شود. بلکه به هر اقدام طراحی شده برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست هر دولت در هر جای دنیا تروریسم اطلاق می‌شود. به موجب بخش ۲۱(۴) قانون ضد تروریسم^{۱۲} سال ۲۰۰۱ تعریف ارائه شده در بخش ۱ قانون تروریسم ۲۰۰۰ به این قانون نیز تسری می‌یابد. (حاتمی؛ حاجی زاده، ۱۳۸۶: ۱۵۱) به موجب قانون مذکور، تروریسم انجام اعمال

11- Terrorism Act.

12- Anti-Terrorism, Crime and Security Act (2001) (ATCSA).

خشونت آمیز جدی علیه افراد و با آسیب و لطمه بر دارایی و مالکیت یا تهدید زندگی افراد و یا ایجاد خطرات جدی به امنیت عمومی و ملی یا بهداشت عمومی که شدیداً موجب برهم زدن نظم عمومی می‌شوند، تعریف شده که عبارتند از:

۱- رفتار و یا عملکردی به جهت تهدید دولت و یا برای ترساندن مردم یا بخشی از عموم طراحی شده باشد.

۲- رفتار و یا عملی که به منظور پیشبرد اهداف سیاسی و مذهبی و ایدئولوژیک صورت می‌گیرد.

مطابق قانون جزای فرانسه ارتکاب قتل یا سایر اقدامات علیه تمامیت جسمانی اشخاص یا آدم‌ربایی یا ربودن وسایل نقلیه عمومی یا تخریب این وسایل یا حتی جرائم رایانه‌ای با توسل به رعب و وحشت و به قصد برهم زدن شدید نظم عمومی، به صورت فردی یا جمعی، اقدام تروریستی محسوب می‌شود.^{۱۳} در این تعریف سه عنصر مهم نهفته است:

۱- استفاده از خشونت (و نیز تهدید به استفاده از خشونت)؛

۲- به قصد ایجاد رعب و وحشت و عدم امنیت، اگر چه الزاماً جماعت مورد نظر دچار ترس و وحشت نگردند؛

۳- ایجاد فضای سیاسی متشنج از طریق بی‌ثبات کردن نظم عمومی.

مطابق این تعریف ممکن است فردی مجموعه‌ای از جنایات خونین و خشونت‌بار را مرتکب شود و گروهی را مرعوب و وحشت‌زده نماید اما از آنجایی که از فعل او بی‌ثباتی فضای سیاسی حاصل نشده است، عمل او از شمول این تعریف خارج می‌گردد.

قانون جزای فرانسه تروریسم دولتی را دربر نمی‌گیرد. از آنجایی که قانون جزای فرانسه جنبه داخلی دارد و در یک چارچوب دموکراتیک و مبتنی بر حقوق ملی اعمال می‌شود، اخراج مفهوم تروریسم دولتی غیرمنطقی به نظر نمی‌آید، لیکن در صحنه جهانی وضعیت متفاوت است. به عقیده ساندوز در دوران انقلاب فرانسه ملاحظه گردید که ریشه تروریسم در اعمال یک «قدرت حاکم» قرار دارد، همچنان که تروریسم رژیم ناسیونال سوسیالیست آلمان هیتلری و همین‌طور استالینسم و حکومت‌های دیکتاتوری متعددی که چهره قرن بیستم را سیاه کردند، چنین عملکردی داشتند. (ساندوز، ۱۳۸۲: ۳۳۵)

بنابراین ملاحظه می‌شود که تروریسم و یا اقدامات تروریستی در کشورهایی که آنها را جرم‌انگاری کرده‌اند، به صورت مستقل تعریف نشده‌اند و به عبارت دیگر تعاریف آنها عمدتاً ناظر به شیوه ارتکاب یا قصد و انگیزه مرتکب است و الا رکن مادی جرم و به ویژه رفتار فیزیکی آن متفاوت از سایر جرائم نیست.

- ایالات متحده آمریکا

طبق قوانین فدرال آمریکا (بخش ۲۳۳۱- فصل ۱۱۳ ب) تروریسم این‌گونه تعریف شده است: «اقدامات خشونت‌آمیز یا اقداماتی که تهدیدکننده زندگی انسانی است، منجر به زیر پا گذاشتن قوانین جنایی ایالات متحده یا هر کشور دیگر شده و با هدف: (۱) ارباب و اجبار مردم عادی؛ (۲) تأثیرگذاری بر سیاست‌های حکومت از طریق زور و اجبار؛ (۳) تحت تأثیر قرار دادن اداره و مدیریت حکومت به وسیله تخریب، ترور یا آدم ربایی انجام می‌شود و در صورتی که در درون مرزهای سرزمینی ایالات متحده اتفاق بیفتد به آن تروریسم

داخلی گفته می‌شود و اگر اساساً خارج از مرزهای سرزمینی ایالات متحده باشد، آن را تروریسم بینالمللی می‌نامند.^{۱۴}

وزارت خارجه آمریکا از سال ۱۹۸۳ تعریف مندرج در سند ۲۲ از قانون ایالات متحده، ماده ۲۶۵۶ (بند د) را به کار می‌برد: «واژه تروریسم به معنای خشونت عمدی و با انگیزه سیاسی است که علیه اهداف غیررزمنده^{۱۵} توسط گروه‌های فروملی^{۱۶} و یا عوامل پنهانی و معمولاً با قصد نفوذ در مخاطبان صورت می‌گیرد.»^{۱۷}

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در اسناد و قوانین ایالات متحده تعاریف گوناگونی - متفاوت یا مشابه - از تروریسم ارائه شده است. علاوه بر موارد ذکر شده در این تحقیق، سازمان‌ها و نهادهای آن کشور هم (از جمله سازمان اف.بی.آی. و وزارت دفاع) سعی در تبیین مفهوم تروریسم و بیان تعریفی مطابق شرایط و منافع خود داشته‌اند که بررسی آنها بحث مفصلی را می‌طلبد. به هر حال مقصود این است که کشوری که خود را در معرض اقدامات تروریستی می‌بیند درصدد پیشگیری و مقابله با آن برمی‌آید و لازمه هر واکنشی، داشتن تعریفی است که شناسایی و انطباق مصادیق با آن صورت گیرد.

- جمهوری اسلامی ایران

ایران، اقدامات تروریستی زیادی را به ویژه پس از انقلاب اسلامی تجربه کرده است اما متأسفانه هنوز هم اقدامی قانونی برای مبارزه با تروریسم صورت نگرفته است. در واقع این واژه هنوز به قوانین ما راه پیدا نکرده است و تعریف و مصادیقی برای آن تعیین نشده است.

14- <http://en.wikipedia.org/wiki/Definition-of-Terrorism>

15- Non combatant.

16- Subnational.

17- United States Department of State, Pattern of Global Terrorism: 1995 (Washington D.C. Department of State Publications, 1996) p.vi.

لایحه مبارزه با تروریسم نیز که آبان ماه ۱۳۸۲ به تصویب هیئت دولت رسید و به مجلس شورای اسلامی ارسال شد، همچنان در دست بررسی است و مراحل قانونی شدن را نیمه‌آموده است.

تنها عنوان مجرمانه‌ای که در قوانین کیفری ایران به تروریسم نزدیک است و برخی وجود آن را توجیهی برای فقدان عنوان تروریسم دانسته‌اند، محاربه است. دستگاه قضایی نیز اکثر اعمال تروریستی سال‌های پس از انقلاب را مشمول این عنوان دانسته و مطابق آن حکم داده‌اند. لذا در نوشتار حاضر از بررسی محاربه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با تروریسم امتناع می‌کنیم.

ابعاد بین‌المللی تروریسم

تروریسم از جمله جرائمی است که می‌تواند ماهیتاً داخلی یا بین‌المللی باشد. حدوداً تا دهه ۸۰ میلادی بیشتر جرائم تروریستی در داخل مرزهای یک کشور و علیه اتباع یا قلمرو همان کشور رخ می‌داد اما طی دهه‌های اخیر تروریسم از مفهوم جرمی داخلی گذر کرده و به جرمی بین‌المللی تبدیل شده است. تا جایی که امروزه وقتی از تروریسم سخن به میان می‌آید، تروریسم بین‌الملل متبادر به ذهن می‌شود و به دیگر سخن وجود عنصر یا عناصر بین‌المللی در اقدامات تروریستی مسلّم و غیرقابل انکار فرض می‌شود. علت این امر را باید در تحولات دنیای معاصر، پیشرفت روزافزون وسایل ارتباطی و دسترسی سریع به نقاط دوردست و از میان رفتن مرزها جستجو کرد که از یک سو منجر به تحول حقوق جزا و از سوی دیگر ظهور پدیده‌های نوین بزهکاری شده است. (شاملو، ۱۳۸۱: ۱۲۷)

تروریسم به شکل سنتی یک مشکل داخلی برای هر کشور محسوب شده، لکن تبدیل آن به پدیده‌ای فراملی و سازمان‌یافته در دهه‌های اخیر به عنوان تهدیدی برای دولت‌ها و

جوامع در قرن بیست و یکم به شمار می‌رود. تروریسم داخلی، تروریسمی است که بدون دخالت عنصر خارجی و صرفاً در ارتباط با یک کشور به وقوع می‌پیوندد. در مقابل، تروریسم بین‌المللی حداقل دارای یک عنصر بین‌المللی و یا پیامدهای بین‌المللی است. تروریسم بین‌المللی شدیداً تحت تأثیر شرایط و ارتباطات بین‌المللی موجود، امکان تحقق یافته است. بسیونی در تعریف تروریسم بین‌المللی اظهار می‌دارد: تروریسم رفتار فردی یا جمعی قهرآمیزی است که با استفاده از خشونت و روش ایجاد ترس و وحشت که در برگیرنده یک عنصر بین‌المللی یا علیه هدفی که مورد حمایت بین‌المللی است نشانه رفته و هدف از آن رسیدن به نتیجه‌ای قدرت‌طلبانه است. چنین اقدامی در موارد زیر دربرگیرنده یک عنصر بین‌المللی است: ۱- مرتکب و قربانی شهروندان دولت‌های مختلف باشند؛ ۲- تمام یا قسمتی از این رفتار در بیش از یک کشور انجام شود. (حکیمی ها، ۱۳۸۵: ۳۹)

لذا برای اینکه اقدامی تروریسم بین‌المللی محسوب شود شاخصه اصلی این است که باید بر بیش از یک دولت تأثیر بگذارد. هنگامی که فعالیت تروریستی دربردارنده و یا تأثیرگذارنده بر منافع بیش از یک دولت باشد، می‌توان بین آنچه که تروریسم داخلی محسوب می‌شود و آنچه که باید تروریسم بین‌المللی در نظر گرفته شود خط فاصلی را ترسیم کرد. (جی یدی، ۱۳۷۸: ۲۶۳)

شکاف بین تروریسم داخلی و بین‌المللی ممکن است شکافی باریک باشد. مواردی مانند انتقال تسلیحات و مواد منفجره، درخواست مشارکت‌ها و انتقال منابع مالی، استقرار مجدد و آموزش افراد، مبادله اطلاعات و مهارت‌های فنی و ابلاغ اهداف و ایدئولوژی‌ها به مخاطبان وسیع‌تر در آینده این شکاف را هرچه تنگ‌تر خواهد کرد و ممکن است باعث گردد تروریست‌های بیشتری از مرزهای ملی فراتر روند. (همان: ۶۶)

انواع تروریسم

از جهات گوناگونی می‌توان تروریسم را به دسته‌های زیادی تقسیم کرد. بعنوان مثال از بعد گستره تأثیر تروریسم را به داخلی و بین‌المللی و از قسمت‌های دیگر روش انجام تروریسم هوایی، دریایی، اطلاعاتی، سایبری، زیست محیطی و ... تقسیم می‌کنند. بعضی دیگر نیز ملاک‌های دیگری مثل انگیزه و یا نوع سلاح مورد کاربرد را در تقسیم‌بندی لحاظ می‌کنند. با این حال اصلی‌ترین و بیشترین معیارها برای جداسازی گونه‌های اقدامات تروریستی، «فاعل» این اقدام و «هدف» از انجام آن است که ذیلاً به ذکر آنها می‌پردازیم.

تروریسم به اعتبار فاعل

بیشتر صاحب‌نظران، تروریسم را به اعتبار فاعل آن به تروریسم فردی - گروهی و دولتی دسته‌بندی می‌کنند با این حال بعضی دیگر هم این تقسیم‌بندی را درست نمی‌دانند و دولت را انجام دهنده کارهای تروریستی نمی‌دانند. به عنوان مثال لاکوئر باور دارد که تروریسم فردی و دولتی در مفهوم تفاوت اساسی با هم دارند وی معتقد است که مسئولیت تروریسم دولتی به دلیل مرگ‌ها و آسیب‌هایی که در سالهای زیادی اتفاق می‌افتد از تروریسم فردی خیلی بیشتر است. (liqueur، ۱۹۸۷: ۷۳) با این حال برخی باور دارند که مفاهیم به طور اساسی به هم شبیه هستند و مطالعه هر دو به هم گره خورده است. به نظر ویلکینسون این دو مفهوم مکمل یکدیگرند و فهم از تروریسم فردی یا گروهی احتیاج به درک استفاده از ترور و خشونت توسط دولت می‌باشد. (Bassiouni، ۱۹۸۵: ۸)

تروریسم فردی - گروهی

تروریسم فردی گونه‌ای از تروریسم می‌باشد که با مقاصد سیاسی، مالی، کسب شهرت و یا جلب توجه افکار عمومی انجام می‌شود. البته بیشتر خشونت‌های تروریستی به منظور رسیدن به اهداف سیاسی، توسط گروه‌های افراطی چپ و راست، جدایی‌طلبان، مخالفان

نژادپرستی و قوم‌گرایی و به طور کلی مخالفان یک دولت حاکم اتفاق می‌افتد و رایج‌ترین مصادیق آن سوء قصد علیه حیات و امنیت افراد جامعه، گروگان‌گیری و هواپیماربایی می‌باشد. چیزی که مورد توجه می‌باشد این است که امروزه به ندرت تروریسم توسط یک شخص حقیقی به تنهایی واقع می‌شود و حتی ساده‌ترین کارهای تروریستی به هماهنگی، برنامه‌ریزی و اقدام گروهی احتیاج دارد، بنابراین می‌توان اصطلاح «تروریسم شخصی»^{۱۸} را اعم از فردی و گروهی و در مقابل «تروریسم دولتی»^{۱۹} دانست. (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۴۵)

امروزه اصطلاح تروریسم دولتی در ادبیات حقوقی و سیاسی با بار محتوایی متفاوتی در نظر گرفته می‌شود و دو موضع متفاوت راجع به آن وجود دارد که ۱- برخی به فعالیت و شناخت دولت به عنوان یکی از عاملان فعالیت‌های تروریستی، تاکید دارند که آنها دولت‌ها را فاعل اعمال تروریستی و بلکه مهم‌ترین عامل آنها می‌دانند و ۲- تعدادی دیگری اصولاً به شرکت دولت‌ها در تروریسم باور ندارند. (همان: ۴۶)

تروریسم به اعتبار هدف

طبق هدف ارتکاب، تروریسم به دو شکل سیاسی و غیر سیاسی یا جنایی دسته‌بندی می‌شود. در این گفتار درباره آنها گفتگو می‌کنیم.

- تروریسم سیاسی

بیشتر فعالیت‌های تروریستی با انگیزه و اهداف سیاسی انجام می‌شود و همین موضوع باعث می‌شود که برخی به اشتباه تروریسم را در زمره جرائم سیاسی قرار دهند ولی به هر شکل جنبه سیاسی اعمال تروریستی تا حدی مهم می‌باشد که برخی تروریسم را خشونت سیاسی می‌گویند.

در پی بدست آوردن توجه دولت‌ها و نهادها، تروریست‌ها به بی‌عدالتی‌های واقعی یا متصوره اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده‌اند و یا در پی تأثیر گذاشتن بر وضعیت خود در محیط اطرافشان هستند. (جی یدی، ۱۳۷۸: ۲۵۴)

- تروریسم غیرسیاسی

تعدادی از فعالیت‌های تروریستی با هدف‌های جنایی انجام می‌شود ولی در اکثر مواقع فعالیت جنایتکارانه انگیزه اولیه نمی‌باشد و تنها نتیجه فعالیت‌های آنها است. به عنوان مثال عموماً آدم‌ربایی همراه با باج‌خواهی می‌باشد. جنایتکاران و تروریست‌ها هر دو فعالیتشان باج‌خواهی می‌باشد. این دو جرم در ماهیت و روش فعالیت با هم فرقی ندارند و فقط در انگیزه با هم فرق می‌کنند. امکان دارد انگیزه اصلی یک فرد جنایتکار بدست آوردن منافع مادی باشد در حالی که هدف یک تروریست تعقیب یک دستور کار سیاسی باشد. این امر در مورد اکثر فعالیت‌های خشونت‌بار تروریست‌ها اعم از آدم‌ربایی، حملات مسلحانه، دزدی از بانک و حتی بمب‌گذاری‌ها وجود دارد. به همین منظور سیاسی بودن عمل یا وجود انگیزه سیاسی از شاخصه‌های پدیده تروریسم می‌باشد. با این حال تروریسم با انگیزه‌های غیرسیاسی هم اتفاق می‌افتد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰: ۱۸۹)

شورش و شورشیان

مقصود از شورش، عملی است فردی یا دسته جمعی بر علیه دولت یا بخشی از قوای دولتی در داخل مرزهای جغرافیایی کشور. از این منظر، اگر اعمال قهرآمیز بر علیه دولتی در خارج صورت بگیرد، تظاهرات معترضان محسوب می‌شود و لذا معترضین می‌باید به حقوق و قوانین آن کشور احترام گذارند و در صورت انجام عملی بر کسی یا اموال کسانی خسارت وارد آید، معترضین مسئول اعمال خود می‌باشند. بنابراین براساس تعریف فوق

شورش زمانی می‌تواند جنبه حقیقی بخود بگیرد که شورشیان بر علیه حکومت قانونی کشور خود اقدام نمایند و اگر از چهارچوب مرزها فراتر رود، حالت خصمانه و تجاوز بخود می‌گیرد و مشمول قوانین جنگ است. مقصود از شورشیان، اشخاص یا گروه‌های انسانی هستند که بطور جمعی و صرف نظر از هدف و مقصودی که دارند، علیه حکومت قانونی یک کشور قیام مسلحانه می‌کنند. شورشیان بمنظور رسیدن به اهداف خود از هر طریقی می‌توانند عمل کنند و ممکن است با نافرمانی مدنی، اعتصاب گسترده، اجتماعات دسته جمعی و غیره نیز اعتراض خود را به دولت ابراز کنند و امور مملکت را مختل سازند. (سرداری، ۱۳۸۸: ۲) زمانی اقدام مسلحانه انجام می‌گیرد که دولت بمنظور سرکوب وارد عمل شده و با استفاده از سلاح‌های سرد و گرم بخواهد شورشیان را پراکنده سازد این هنگام نقطه اعلای شورش آرام محسوب می‌شود که معترضان ضمن سر دادن شعارهای تحریک کننده علیه دولت، دست به اقدامات مسلحانه نیز بزنند.

در قرن بیستم و قرن کنونی با تشکیل گروه‌های انسانی تحت عنوان گروه‌های شورشی این گروه‌ها از یکسو به بسیاری از قواعد حقوق بین الملل ملتزم شده‌اند و از سوی دیگر با توجه به افزایش روند تشکیل این گروه‌ها در عرصه بین المللی ضرورت توجه به جایگاه بازیگران غیر دولتی تحت عنوان شورشیان جلب توجه می‌کند. در شرایط کنونی بین المللی که بسیاری از دولتها در پی اهداف خود و محدودیت در مداخله مستقیم اقدام به حمایت از گروه‌های شورشی می‌کنند و این موضوع بر تاثیر گذاری این گروه‌ها در معادلات جهانی افزوده است. یکی از روشهای شایع حمایت از شورشیان شناسایی آنها می‌باشد. شورشیان در یک دولت ممکن است برای تغییر حکومت بجنگند و ممکن است برای جدایی بخشی از سرزمین. شورشیان نوع اول را به شورشیان انقلابی و شورشیان نوع دوم را به شورشیان جدایی طلب می‌شناسیم. شناسایی شورشیان انقلابی نیز خود چند حالت

می‌تواند داشته باشد، شناسایی شورشیان انقلابی به عنوان «طرف مخاصمه» مانند شناسایی شورشیان سوریه از سوی دولت مرکزی سوریه، شناسایی شورشیان انقلابی به عنوان «نماینده مشروع مردم» مانند شناسایی مردم فلسطین از سوی کشورهای عربی، شناسایی شورشیان انقلابی به عنوان «حکومت» مانند شورای انتقالی ملی انتقالی لیبی از سوی ایتالیا، فرانسه و امارات، شناسایی شورشیان انقلابی به عنوان «دولت» مانند شناسایی کوزوو و شناسایی شورشیان انقلابی به عنوان «دولت در تبعید» مانند شناسایی حکومت مارشال دوگل فرانسه در لندن در سال ۱۹۴۰. آثار حقوقی هر یک از این شناسایی‌ها متفاوت است. تشکیل کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه از بافتهای مختلف اجتماعی، سیاسی، قومی و مذهبی و خود این تفاوتهای قومی، مذهبی و... بروز نارضایتی از حکومتها باعث ایجاد روحیه خودمختاری، جدایی طلبی و در نهایت انقلابی میان گروههای نارضادی شده و این عامل، تشکیل گروههای مسلح شورشی را در پی داشته است. (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۲۱۷)

فعالتهای سازمان ملل

سازمان ملل از نظر داشتن موقعیتی مخصوص و عضویت تقریباً کلیه کشورها، مناسب‌ترین مکان برای اجرایی شدن قواعد جهانی می‌باشد. بعلاوه دارای ارگان‌های ذیصلاحی مثل کمیته‌های تخصصی و کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌باشد. با این حال در مورد موضوع تروریسم به دلیل تعارض آشکار منافع اعضایش که از اولین تلاش‌ها بروز یافت، تا به حال قادر به ایفای چنین رسالتی به شکل کامل نبوده است. (فلوری، ۱۳۸۴: ۲۸۸)

تلاش‌های اولیه سازمان ملل به طور عام و مجمع عمومی به طور خاص، بر موضوع تعریف تروریسم متمرکز شده بود. تعدادی مدعی بودند که نمی‌توان بدون توافق بر سر اینکه به راستی چه رفتاری ممنوع می‌باشد، واکنش‌های هنجاری در قبال رفتارهای ممنوع را به دنبال داشت. از طرفی دیگر کسانی در پاسخ می‌گفتند که توافق بر سر تعریف، محکوم به شکست می‌باشد و بهتر است با دیدگاهی عمل‌گرایانه به دنبال ایجاد قواعد مورد توافقی بود که برای جنبه‌های گوناگون مشکل کلی، مناسب باشد. از لحاظ نظری دیدگاه اولی صائب‌تر می‌باشد. چرا که اگر روشن نباشد رفتار آغاز شده تروریسم می‌باشد یا نه، مناقشه در مورد چگونگی واکنش نسبت به آن رفتار ادامه می‌یابد. در عین حال به دلیل نبودن یک وفاق عمومی درباره اینکه کدام فعالیت تروریسم است و کدام نیست، پاسخ عمل‌گرایانه تنها پاسخ ممکن می‌باشد. (هیگینز، ۱۳۸۴: ۳۰۲)

مجمع عمومی اولین بار در سال ۱۹۷۲ تروریسم را به عنوان معضل جهانی معرفی کرد. در اواسط دهه ۸۰ میلادی به طور نامنظم به موضوع تروریسم می‌پردازد ولی از سال ۱۹۹۴ و بعد از صدور قطعنامه ۴۹/۶۰ این مسئله را به طور منظم در دستور کار خود می‌گذارد. علاوه بر این کمیته‌هایی برای پیگیری و دریافت روش‌های مناسب برای مقابله با این معضل جهانی تشکیل شده است و گزارش‌هایی توسط دبیر کل سازمان ملل بیان شده است. ولی مهم‌ترین فعالیت، تصویب کنوانسیون‌هایی می‌باشد که در یک فرآیند مستمر و تدریجی بارزترین مظاهر و مصادیق تروریسم بین‌المللی را جرم‌انگاری کرده‌اند.

پیشتر شورای امنیت به صورت موردی با وقایع تروریستی برخورد می‌کرد و بعد از هر فعالیت تروریستی با تشکیل جلسه و صدور قطعنامه واکنش نشان می‌داد. تا پایان جنگ سرد این قطعنامه‌ها ارزش توصیه‌ای داشت و لازم‌الاتباع نبود. ولی بعد از آن دوره رویکرد

شورا تغییر کرد. بنابراین بیشتر قطعنامه‌ها در قالب فصل هفتم منشور صادر شد و واجد تعهداتی ضروری برای دولت یا دولت‌هایی خاص و یا همه دولت‌های عضو سازمان ملل می‌باشد.

رویکرد مجمع عمومی در مقابله با تروریسم

مجمع عمومی را باید مرکز ثقل تبادل نظرها، تضارب آرا و تجمع دیدگاه‌های کشورهای گوناگون در موضوعات و مسائل جهانی برای رسیدن به نقاط مشترک و بوجود آوردن قواعدی بین‌المللی دانست. با این حال این واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت که مجمع عمومی به دلیل ویژگی‌های سازمانی خود نتوانسته نقش یک هماهنگ‌کننده مستقیم و مؤثر را در مبارزه بر ضد تروریسم ایفا کند. چونکه از قدرت لازم برای نفوذ بر حکومت‌ها و دیگر بازیگران سیاسی برخوردار نمی‌باشد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۸۵)

در واقع باید گفت مجمع عمومی به اعضا این امکان را می‌دهد تا درباره مسائل که مهم می‌باشند به تبادل نظر بپردازند و آنچه را که مسائل اصلی می‌باشد با تفاهم و توافق یکدیگر به عنوان مسائل مشترک معرفی کنند. به همین دلیل تمام قطعنامه‌های این مجمع در واقع توصیه‌نامه به حساب می‌آید و وزن سیاسی و هنجاری آن به میزان حمایت کشورهای عضو از آن قطعنامه بستگی دارد. (همان: ۸۶)

فعالیت‌های مجمع عمومی در مورد تروریسم به طور کلی به چند بخش تقسیم می‌شود. بخش اول قطعنامه‌هاست که تا به حال ۴۵ قطعنامه به طور مستقیم توسط مجمع عمومی در این موضوع صادر گردیده است. بخش دیگر گزارش‌های دبیرکل است. برای این منظور دبیرکل هیئت مشخصی را مأمور کرده تا در رابطه با مسائل از قبل تعیین شده مربوط با تروریسم خصوصاً عملکرد کشورها، مبانی نظری و مشکلات سازمان ملل و چالش‌ها گزارش بدست آورند که در این مورد تا به حال ۴۳ گزارش ارائه شده است. علاوه بر این

دو بخش کمیته‌هایی نیز در مجمع وجود دارد که یا هدف آنها مبارزه با تروریسم می باشد یا تروریسم یکی از موضوعات مهم کاری آنان می باشد.^{۲۰}

به جز قطعنامه‌های صادر شده و کمیته‌های تشکیل شده در چارچوب مجمع عمومی، کنوانسیون‌های گوناگونی نیز در مورد مبارزه با تروریسم تدوین شده است که نقش بسیار مؤثری در ترسیم چارچوب‌های فعالیتهای علیه این پدیده مجرمانه و مبانی حقوقی برخورد با آن، از راه تشخیص مصادیق، داشته‌اند.

با توجه به قطعنامه‌ها، گزارش‌های هیئت‌های عالی‌رتبه دبیرکل و نگرش کشورهای عضو در مجموع سه رویکرد یا جریان عمده از ابتدا تاکنون درون مجمع عمومی درخصوص تروریسم صورت گرفته است. اولین جریان، رویکرد «اقدامات لازم برای جلوگیری از تروریسم»^{۲۱} می باشد که بیشتر در عملکردهای آغازین تا ابتدای دهه ۹۰ میلادی مجمع عمومی قابل تشخیص می‌باشد. در جریان بعدی که حدود یک دهه ادامه داشت «حقوق بشر و تروریسم»^{۲۲} به طور هم زمان مورد توجه است و در رویکرد متأخرتر «اقدامات لازم برای نابود کردن تروریسم»^{۲۳} مطمح نظر قرار گرفته و فعالیت‌های مجمع در این سو پیش رفت. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۹۸)

رویکرد شورای امنیت در مقابله با تروریسم

براساس ماده یک منشور ملل متحد یکی از وظایف اصلی سازمان ملل نگهداری صلح و امنیت بین‌المللی می باشد که این وظیفه به سبب ماده ۲۴ منشور به عهده شورای امنیت می باشد. طبق ماده ۳۹ منشور ملل متحد «شورای امنیت وجود هرگونه تهدید صلح، نقض صلح

۱- کمیته ششم مهم‌ترین و فعال‌ترین کمیته مجمع در این زمینه است.

21-Measure to Prevent Terrorism

22-Human Rights and Terrorism

23- Measure to Eliminate Terrorism

یا عمل تجاوز را احراز و بر اساس آن توصیه‌هایی خواهد کرد یا تصمیم خواهد گرفت که باید چه اقداماتی مطابق ماده ۴۱ یا ۴۲ برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی صورت گیرد.» بیان هر یک از این سه وضعیت شورای امنیت را مجاز می‌داند که از تدابیر اجرایی مسالمت‌آمیز (ماده ۴۱) یا فعالیت‌های قهرآمیز (ماده ۴۲) برای نگهداری یا اعاده صلح یا توقف تجاوز استفاده می‌کند.

بررسی فعالیت‌های شورای امنیت در مبارزه با تروریسم بین‌المللی مبین این واقعیت می‌باشد که شورا همیشه از روش یکسانی پیروی نکرده و با این معضل بین‌المللی برخوردهای متفاوتی داشته است که ناشی از ملاحظات سیاسی و منافع و مصالح اعضای دائم آن می‌باشد. شورای امنیت در سال‌های اخیر تفسیر موسعی از مفهوم صلح، امنیت بین‌المللی و تهدید صلح داشته، در اعلامیه ژانویه ۱۹۹۲ بیان می‌کند که نبود جنگ و درگیری میان دولت‌ها به تنهایی به معنای صلح نمی‌باشد بلکه نبودن ثبات اقتصادی، اجتماعی، انسانی و زیست محیطی تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد.^{۲۴}

با این تفسیر شورای امنیت از اختیارات گسترده‌ای برای مقابله با تروریسم برخوردار می‌باشد. رویکرد شورای امنیت نسبت به تروریسم را در سه دوره جداگانه می‌توان مورد توجه دانست: دوره اول زمان جنگ سرد و نظام دو قطبی جهان می‌باشد. شورای امنیت در این دوره برخی حوادث تروریستی را محکوم و توصیه‌هایی را بیان می‌کند. دوره دوم پس از جنگ سرد می‌باشد که شورای امنیت در مبارزه با تروریسم فعال‌تر شده و با تفسیر موسع از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی از اختیارات خود در برابر با تروریسم بین‌المللی استفاده می‌کند و دوره سوم مربوط به فعالیت‌های شورای امنیت بعد از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر است.

کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد تروریسم

علاوه بر قطعنامه‌ها و بیانیه‌های حقوقی که بوسیله مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد برای جرم‌انگاری و روبرو شدن با تروریسم صادر شده است، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های زیادی تدوین شده که نقش بسیار مهمی در بوجود آوردن نظم حقوقی بین‌المللی در ارتباط با پدیده تروریسم اعم از جرم‌انگاری، جلوگیری و مقابله داشته و دارند. کنوانسیون تعبیری از معاهدات بین‌المللی دارد که در فارسی به عهدنامه ترجمه شده است و برای بیان اراده مشترک دولت‌ها در قبول کردن قواعد حقوق بین‌الملل عام استفاده می‌شود. (فلسفی، ۱۳۷۹: ۵۵)

هر کدام از کنوانسیون‌های ضد تروریسم به جرم‌انگاری اعمال خاصی می‌دهند ولی در عین حال ویژگی‌های مشترک زیادی دارند: همه آنها بر مسئولیت کیفری فرد تمرکز کرده‌اند و بر اصل استرداد یا محاکمه مبتنی می‌باشند و به سبب آنها دولت‌ها مجبور می‌شوند جرائم ذکر شده را در قوانین داخلی‌شان جرم بیان کنند و مجازات مناسب در نظر بگیرند. کلیه این کنوانسیون‌ها مقرراتی جهت تعقیب، مجازات و استرداد مجرمین مدون نموده‌اند و خواهان همکاری کشورها در سرکوب اینگونه جرائم می‌باشند.

کنوانسیون‌های بین‌المللی علیه تروریسم به دو گروه کلی اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تقسیم می‌باشند. طبعاً کنوانسیون‌های بین‌المللی به منظور گستره شمول و الزام‌آوری از اهمیت بیشتری برخوردارند. در این مورد سیزده عهدنامه بین‌المللی که اصلی‌ترین مستندات حقوق بین‌الملل در مبارزه با تروریسم می‌باشد از دهه ۶۰ میلادی به بعد با افزایش فعالیت‌های تروریستی، به تدریج و به تناسب توسعه انواع و اقسام این فعالیت‌ها تهیه و تدوین شده است.

نتیجه گیری

تروریسم یکی از مشکلات جهان امروز است. اعمال تروریستی مختلف که با هدف ایجاد رعب و وحشت در گروهی از مردم و با انگیزه های سیاسی علیه منافع دولت معینی انجام می شود تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی محسوب می گردد. در نوعی از تروریسم که با عنوان تروریسم دولتی شناخته می شود دولت ها با آراء تسهیلات، امکانات مالی، اطلاعات فنی، پایگاه های عملیاتی و هر گونه تسهیلات لازم به گروه های تروریستی، نقش فعالی را در شکل گیری تروریسم ایفا کرده، به دنبال منافع سیاسی خود هستند. عدم وجود یک مکانیزم بین المللی موثر برای سرکوبی تروریسم موجب شده تا دولت های قربانی تروریسم در صدد یافتن راهی برای پاسخ به این گونه حملات باشند.

همچنین با مطالعه اسناد بین المللی چنین نتیجه می شود که میان دولت های گوناگون در خصوص مفهوم تروریسم بحث و اختلاف نظر وجود دارد به دلیل، تلاش مجامع بین المللی برای جلب توافق دولت ها بر مفهوم واحدی از تروریسم تا مدتها به فراموشی سپرده شد در نتیجه با رشد تروریسم جهانی واکنش به تعریف موردی از آن که کمترین اختلاف ها را انتخاب می کند گرفته شد. تا اینکه در کنوانسیون درمورد تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹ که از جمله متأخرترین اسناد در مبارزه با این جرم است، تروریسم به این گونه تعریف کرد: هرگونه اقدامی که موجب مرگ یا وارد آمدن آسیب های شدید جسمانی به کسی شود که مسقیماً در درگیری های مسلحانه دخالت نداشته است و هدف از این اقدام ایجاد رعب و وحشت در میان مردم یا وادار ساختن یک دولت یا یک سازمان بین المللی به انجام یا ترک انجام عملی باشد.

قطعه‌نامه ۱۵۶۶ شورای امنیت نیز که در سال ۲۰۰۴ صادر شد، به تعریف جرم تروریسم پرداخت. تعریف بیان شده در این قطعه‌نامه نسبت به تعریف کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی کامل تر است. طبق این تعریف تروریسم اقدامات جنایی بر ضد غیر نظامیان می باشد با هدف کشتن یا وارد کردن جراحت شدید جسمانی یا گروگان‌گیری به منظور تحریک و ایجاد حالت ترس در عامه مردم یا گروهی از اشخاص یا اشخاصی خاص یا وادار کردن یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام عملی تحت هر شرایطی و با هر انگیزه‌ای که باشد.

به صورت کلی می توان چنین بیان کرد که فعالیت های صورت گرفته در سطح بین‌المللی برای مقابله با تروریسم به چند گروه قابل تقسیم‌اند: فعالیت های مجمع عمومی که شامل این موارد می‌گردد (تصویب قطعه‌نامه‌ها که تاکنون ۴۵ قطعه‌نامه به طور مستقیم بوسیله مجمع عمومی در این موضوع صادر شده است) بخش دیگر گزارش‌های دبیرکل می‌باشد. برای این منظور دبیرکل هیئت مشخصی را انتخاب می کند تا در خصوص مسائل از قبل تعیین شده مرتبط با تروریسم خصوصاً عملکرد کشورها، مبانی نظری و مشکلات سازمان ملل و چالش‌ها گزارش بگیرند که در این مورد تا به حال بیشتر از چهل گزارش بدست آمده است. کمیته‌هایی نیز در مجمع عمومی شکل گرفته است که یا هدف آنها مبارزه با تروریسم می باشد یا تروریسم یکی از موضوعات مهم کاری آنها است. البته بر این فعالیت ها تصویب پنج کنوانسیون از مجموعه کنوانسیون‌های سیزده گانه ضد تروریسم در قالب این مجمع را نیز باید حساب کرد. این کنوانسیون ها مصادیق متفاوت و متنوع تروریسم را جرم‌انگاری کرده و یا در جهت پیشگیری و سرکوب فعالیت هایی که می‌توانند مقدمه یک اقدام تروریستی باشند، برآمده است. در حالتی که روند اختلاف نظر کشورها در کلیت و مفهوم تروریسم باقی باشد، ادامه این روش برای اعطای عنوان مجرمانه

به دیگر مصادیق تروریسم و مخصوصاً مصادیق نوین ضروری می باشد. لذا سعی می شود که تعداد زیادی که در این رابطه صورت گرفته مهم و مؤثر بوده اند و لیکن کافی جهت مقابله قطعی و تمام عیار با تروریسم نیستند. در نهایت بایستی به این نکته مهم اشاره کرد که دیوان بین المللی دادگستری کماکان بر تفسیر مضیق از ماده ۵۱ منشور تاکید دارد و بر این عقیده است که اصل عدم توسل به زور یک قاعده مهم و بنیادین منشور ملل متحد و حقوق بین الملل است.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

کتب

- ۱- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، نشر مروارید، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴
- ۲- آقابخشی، علی، و مینو، افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۳
- ۳- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۸۲.
- ۴- حبیب‌زاده، محمدجعفر، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۵- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷، جلد ۵
- ۶- فلسفی، هدایت‌الله، حقوق بین‌الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۷۹
- ۷- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۷.

مقالات

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، مفهوم تروریسم، مجموعه مقالات همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، تابستان ۱۳۸۱

- ۲- جی‌بدی، توماس، تعریف تروریسم بین‌المللی: نگرش عملی، ترجمه میرطاهر، سید رضا، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، شماره ۶-۵، پائیز و زمستان، ۱۳۷۸
- ۳- حاتمی، مهدی، و حاجی‌زاده، محمود، بررسی قانون ضد تروریسم انگلستان، مجله حقوقی، شماره ۳۶، ۱۳۸۶.
- ۴- ساندوز، ایو، مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصت‌ها، ترجمه سواری، حسن، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹، پائیز، ۱۳۸۲
- ۵- سرداری، راضیه، حفظ حق حیات و سرکوب شورشیان با استناد به آرای از دیوان اروپایی حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی دانشکده حقوق، ۱۳۸۸.
- ۶- شاملو، (دکتر) باقر، تفکیک بین تروریسم و جرائم سیاسی، مجموعه مقالات همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، تابستان، ۱۳۸۱
- ۷- صادقی حقیقی، دیدخت، نهضت‌های رهایی‌بخش ملی و تروریسم بین‌الملل از دید حقوق بین‌الملل، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۲۰۶-۲۰۵، مهر و آبان، ۱۳۸۳،
- ۸- فلوری، موریس، حقوق بین‌الملل: ابزاری برای مبارزه با تروریسم، ترجمه زمانی، سید قاسم، تروریسم (تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق)، نشر نی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴
- ۹- میرمحمدصادقی، حسین، تروریسم رسانه‌ای، مجموعه مقالات همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، تابستان، ۱۳۸۱،
- ۱۰- میرمحمدصادقی، حسین، ملاحظات در باب تروریسم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴-۳۳، ۱۳۸۰،

۱۱- هاشمی شاهرودی، سید محمود، محارب کیست و محاربه چیست، بایسته‌های فقه جزا، نشر میزان، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۸

۱۲- هیگینز، روزالین، حقوق بین‌الملل عام تروریسم، ترجمه کسمتی، زهرا، تروریسم (تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق)، نشر نی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها

۱- حکیمی‌ها، سعید، تروریسم در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، مرداد، ۱۳۸۵

۲- عبداللهی، محسن، حقوق و قواعد بین‌المللی قابل اعمال در مبارزه با تروریسم، رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۸۵.

۳. کاظمیان، علی اصغر، جایگاه و نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳

منابع لاتین

1. James R Crawford 2006 Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua Case (Nicaragua v United States of America)
2. Laqueur, Walter, The Age of Terrorism, Little- Brown and Company, 1987.
3. M. Bassiouni, Encyclopedia of Public International Law, No. 8, 1985.
4. P. Schmid, Alex, & Crelinsten, Rohaud D., Western Responses to Terrorism, Frank Cass, 1993
5. S. Nye, Joseph, Power in Global Information Age; From Realism to Globalisation, Routledge, 2004.